

افرادى حمایت نمی‌کند. در این صورت احتمالاً مانند مجلس فعلی این احزاب هستند که تصمیم خواهند گرفت چه انجام دهند. درباره احزاب اصلی جبهه اصلاحات، با توجه به تجربه و شناختی که از آنها وجود دارد می‌توان دو نوع رفتار را پیش‌بینی کرد. سه حزب «کارگزاران سازندگی»، «اعتماد ملی» و «ندای ایرانیان» همان رفتاری را انجام می‌دهند که در جریان انتخابات مجلس دوازدهم انجام دادند. آنها به صورت مستقل از جبهه اصلاحات به جریان انتخابات ورود می‌کنند ولی این احتمال بسیار زیاد است که این سه حزب لیست مشترک بدهند. چنانچه سعید نورمحمدی، قائم مقام حزب ندای ایرانیان ۵ آبان به فارس گفته است: «اگر جبهه اصلاحات تصمیم به حضور در انتخابات بگیرد، قطعاً با لیست واحد و منسجم پای کار خواهد آمد؛ مگر آنکه روند بررسی صلاحیت‌ها به‌گونه‌ای باشد که برخی از احزاب احساس کنند شرکت در انتخابات بی‌فایده است و نتیجه انتخابات از قبل تعیین شده است.» البته درباره لیست آنها یک احتمال دیگر هم ممکن است وجود داشته باشد، اینکه لیست آنها مهمان یا مهمان‌های دیگری هم داشته باشد و اجماعی را تشکیل دهند. شاید روزنه‌گشایان و به احتمال ضعیف‌تر حزب اعتدال و توسعه هم به جمع آنها اضافه شده و لیست مشترکی ارائه شود.

اما ماجرا در باره دو حزب شاخص دیگر جبهه اصلاحات یعنی احزاب اتحاد ملت و توسعه ملی به احتمال زیاد متفاوت با سه حزب دیگر است. در صورتی که جبهه اصلاحات لیست ندهد، این دو حزب به احتمال بسیار زیاد، سیاستی مشابه انتخابات مجلس دوازدهم را در پیش خواهند گرفت و همگام با جبهه اصلاحات از کاندیدایی حمایت‌نمی‌کنند.

روزنه‌گشایان

از جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ بود که عده‌ای از اصلاح‌طلبان به آرامی مسیر خود را از جبهه اصلاحات جدا کرده و سیاست‌های انتخاباتی جبهه را رد کردند؛ موضوعی که در زمستان ۱۴۰۲ جدی‌تر شد. در آستانه انتخابات دوره دوازدهم مجلس، در فضایی که جبهه اصلاحات به صورت رسمی اعلام کرده بود: «امکان ارائه لیست انتخاباتی در تهران برای جبهه اصلاحات ایران وجود ندارد.» بیانیه‌ای با عنوان «بیابید روزنه‌گشایی کنیم» منتشر شد؛ بیانیه‌ای که به حضور در انتخابات همان دوره مجلس و ارائه لیست تأکید داشت. پس از انتشار این بیانیه بود که عنوان «روزنه‌گشا» برای برخی از چهره‌های شاخص این لیست استفاده شد.

پس از انتخابات مجلس، آنها هرچند در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ از گزینه جبهه اصلاحات حمایت کردند اما درباره انتخابات پیش‌روی شورای شهر، دو محور درباره آنها قابل بیان است. پیش از اینکه به بررسی محورهای آنها بپردازیم، ذکر این نکته ضروری است که روزنه‌گشایان با حضور برخی چهره‌های شاخص خود در حال تشکیل حزبی با نام «عهد» هستند و در جریان انتخابات پیش‌رو به صورت حزبی وارد انتخابات خواهند شد.

درباره سیاست‌های انتخاباتی آنها نکته کلیدی این است که این طیف، برخلاف جبهه اصلاحات اعتقادی به این موضوع ندارند که برای حضور در انتخابات باید پیش‌شرط‌هایی را داشت. به عبارت واضح‌تر آنها، تحت هر شرایطی و حتی اگر تمام کاندیداهایشان هم رصلاحیت شود، باز هم در انتخابات حضور خواهند داشت و کنش‌گری خواهند کرد. به هر صورت، درباره روزنه‌گشایان و در آینده نزدیک «حزب عهد» می‌توان به دو محور اشاره کرد.

اولین محور این است که جبهه اصلاحات لیست دهد. در این صورت در درجه اول باید منتظر ماند و دید که روزنه‌گشایان چه تصمیمی خواهند گرفت و آیا گزینه‌های خود را برای بررسی به جبهه اصلاحات خواهند داد و مهم‌تر اینکه آیا اصلاً جبهه اصلاحات قبول می‌کند که چهره‌های مورد حمایت آنها را بررسی کرده و در نهایت وارد لیست خود کند. در نگاه خوش‌بینانه اگر این دو مورد انجام شود و مشکلی وجود نداشته باشد، روزنه‌گشایان مانند انتخابات ریاست‌جمهوری همگام با جبهه اصلاحات پیش می‌روند.

اما دومین محور در صورتی است که یا جبهه اصلاحات لیست ندهد و یا اینکه جبهه اصلاحات لیست بدهد اما تفاهمی برای حضور روزنه‌گشایان در این لیست صورت نگیرد. با این قطعیت که روزنه‌گشایان در انتخابات حضور پیدا می‌کنند، اگر جبهه اصلاحات لیست ندهد آنها به احتمال زیاد لیستی مشترک را با سه حزب «کارگزاران سازندگی»، «اعتماد ملی» و «ندای ایرانیان» خواهند داد، البته این احتمال هم وجود دارد که حزب «اعتدال و توسعه» هم به آنها اضافه شده و لیستی مشترک منتشر شود. اما اگر جبهه اصلاحات لیست بدهد و روزنه‌گشایان در آن لیست حضور نداشته باشند، در این صورت احتمال لیستی مجزا از سوی آنها منتشر شود کم است و احتمالاً به سمت و سوی این خواهند رفت که با حزب اعتدال و توسعه ائتلاف کنند.

شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب

بهمن ۱۴۰۳ بود که خبرگزاری ایلنا اعلامیه‌ای را منتشر کرد که براساس آن گروهی تحت عنوان «شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب» اعلام موجودیت کردند. پس از اعلام موجودیت، هیچ خبری از اینکه این شورا چیست و اصلاً کدام احزاب عضو آن هستند منتشر نشده بود تا اینکه ۱۶ آبان، رسول منتجبینا، دبیرکل حزب جمهوریّت مصاحبه‌ای را با خبرگزاری ایسنا انجام داده و با بیان اینکه: «ما جبهه اصلاحات را به لحاظ اینکه در جلسات دبیران احزاب، شخصیت‌های حقیقی صاحب‌رای باشند قبول نداریم»، درباره شورا توضیح می‌دهد: «بیش از ۱۰ حزب اصلاح‌طلب عضو این شورا هستند.» اما نکته اصلی این است که

همچنان مشخص نیست به غیر از حزب جمهوریت، ۹ حزب و گروه دیگری که عضو این شورا هستند، نامشان چیست. نکته مشخص درباره آنها دو محور است. محور اول اینکه آنها برای انتخابات شورای شهر هفتم، لیست خواهند داد و خبری از همراهی آنها با لیست احتمالی جبهه اصلاحات وجود ندارد. محور دوم که شاید چندان دور از ذهن هم نباشد این است که این احتمال هم وجود دارد که این شورا به سمت‌وسویی حرکت کنند که در این انتخابات با روزنه‌گشایان ائتلاف کرده و لیست واحدی بدهند.

میان‌روها

در بین جریان سیاسی میانه‌رو یا به عبارت دیگر اعتدال‌گرا، شاخص‌ترین حزب «اعتدال و توسعه» است؛ حزبی که نزدیک به حسن روحانی محسوب می‌شود. این حزب فعالیت‌های خود را برای انتخابات شورای شهر هفتم آغاز کرده است، چنانچه ۲۱ آبان، محمود واعظی، قائم‌مقام این حزب در تویترش می‌نویسد: «حضور پررنگ مردم در انتخابات، تنها یک ضرورت سیاسی نیست؛ تضمین «امنیت ملی» است. راه اعتدال، گفت‌وگو به‌جای تقابل و عمل به‌جای شعار است. «حزب اعتدال و توسعه» برای حضور مؤثر در انتخابات شوراها آماده می‌شود. راه ما روشن است؛ تقویت امید، گفت‌وگو به‌جای تقابل و مشارکت برای آینده ایران.» تا به اینجا مشخص شد که آنها فعالیت انتخاباتی‌شان را آغاز کرده‌اند اما سوالی که ایجاد می‌شود این است که آیا اعتدال و توسعه لیست مجزا خواهد داد؟ بنابر آنچه که محمود واعظی ۲۰ آبان به خبرگزاری ایسنا گفته، احتمال اینکه این حزب لیست مجزا بدهند بسیار پایین است. او گفته است: «از آنجا که انتخابات شورای شهر تهران به‌صورت تناسبی برگزار می‌شود، هر چه تعداد فهرست‌های انتخاباتی کمتر و ائتلاف‌ها گسترده‌تر باشد، هم انتخاب برای مردم آسان‌تر خواهد شد و هم ترکیب شوراهای از انسجام و هماهنگی بیشتری برخوردار می‌شود؛ بنابراین تشکیل ائتلاف‌های انتخاباتی، اقدامی عقلانی است و می‌تواند قابل انتظار باشد.»

اما درباره اینکه ائتلاف اعتدال و توسعه با کدام گروه خواهد بود، احتمال قوی را باید با ائتلاف آنها با روزنه‌گشایان دانست. البته اگر جبهه اصلاحات لیست ندهد، همانطور که پیش از این ذکر شد، شاید ائتلافی بین اعتدال و توسعه، عهد، کارگزاران، اعتماد ملی و ندای ایرانیان شکل بگیرد.

اصول‌گرایان

برخلاف اصلاح‌طلبان که بسیاری از معادله‌هایشان پیرامون حضور و یا عدم حضور جبهه اصلاحات می‌چرخد، درباره اصول‌گرایان حداقل نگرانی از بابت رصلاحیت در کمترین میزان ممکن است و آنها یا خیال راحت به بررسی صلاحیت‌ها نگاه می‌کنند. اما نکته‌های اصلی که وجود دارد، پیرامون جبهه‌بندی‌هایی است که آنها ایجاد کرده‌اند و این جبهه‌بندی‌ها به شکلی است که آنها را عملاً به جریان‌هایی جدا تقسیم کرده است؛ روندی که نمونه بارز و آشکار آن در انتخابات‌های مجلس دوازدهم و ریاست‌جمهوری چهاردهم به وضوح دیده شد. با بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان درباره اصول‌گرایان به این موارد اشاره کرد:

احزاب و گروه‌های اصول‌گرا

در حوزه احزاب، شاخص‌ترین احزاب و گروه‌های اصول‌گرا فعالیت خود را برای انتخابات شورای شهر هفتم آغاز کرده است:

۱ **حزب مؤتلفه:** مهرماه از شعار خود برای این دور از انتخابات هم رونمایی کردند. آنها «تخصص‌گرایی در مدیریت شهری، عدالت شهری و مشارکت مردمی» را شعار خود در این انتخابات قرار داده‌اند. محمدعلی امانی، دبیرکل این حزب هم اخیراً به خبرگزاری فارس گفته است: «ستاد مرکزی حزب شکل گرفته و در حال هماهنگی و سازماندهی فعالیت‌های انتخاباتی در سراسر کشور هستیم. جمع‌بندی ما در حوزه مدیریت شهری این است که نمی‌توان با یک نسخه واحد، کشور را اداره کرد؛ شرایط و نیازهای هر استان متفاوت است و باید متناسب با ویژگی‌ها و اقتضائات محلی برای آن برنامه‌ریزی کرد.»

۲ **جبهه پایداری:** تنها خبری که درباره فعالیت جبهه پایداری وجود دارد، جمله‌ای است که مرتضی آقا‌نهرانی، ۲۱ مهر به آوش گفته است: جمله‌ای که نشان می‌دهد آنها هم مانند مؤتلفه برنامه‌هایشان را برای انتخابات شورای شهر آغاز کرده‌اند. او در این مصاحبه گفته است: «شرکت در انتخابات شورای شهر هم یک وظیفه است. بچه‌ها ۶ ماهی است که هفته‌ای دو سه روز جلسه دارند، از ۶ صبح تا ۸ و ۹ کار می‌کنند و می‌روند. من از آنها تشکر می‌کنم.»

۳ **شریان:** آنها نیز مانند مؤتلفه و پایداری برنامه‌هایشان را آغاز کرده‌اند. تیمه‌های مهرماه بود که خبری منتشر شد مبنی بر اینکه کمیسیون انتخاباتی شریان تشکیل شده و فعالیت خود را تشکیل داده است. مجتبی اکبری، سخنگوی شریان هم به فرهختگیان گفته است: «مشکلات بسیاری در کف جامعه و شهر داریم که باید دیده و حل شوند. شریان با توجه به ۱۲ شبکه‌ای که دارد، به این مباحث ورود می‌کند تا ان‌شاءالله با برنامه وارد عرصه شود.»

در کنار اینها، نباید فراموش کرد که در انتخابات مجلس دوازدهم، جبهه صبح ایران هم وجود داشت که بر محوریت علی اکبر رائفی‌پور فعالیت می‌کرد. البته از آنجا که در انتخابات مجلس، بسیاری از گزینه‌های جبهه صبح ایران از سایر لیست‌ها بودند و در این انتخابات امکان چنین موضوعی فراهم نیست، حضور برای آنها سخت خواهد بود و در صورت حضور هم احتمالاً با گمنام‌ترین‌ها لیست می‌دهند.

جبهه‌ها

در جریان اصول‌گرا، آخرین بار سه جبهه اصلی وجود داشت که «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب، شورای وحدت اصول‌گرایان و امنا» بودند اما بررسی‌هایی که انجام شده، نشان می‌دهد عملاً ار شورای ائتلاف و شورای وحدت خبری نیست و به عبارتی آنها فعالیت‌هایشان تقریباً تعطیل است و طبیعتاً مشخص نیست اصلاً ورودی به انتخابات شوراها داشته باشند یا خیر. ولی درباره امنا به نظر می‌رسد که باز هم چیزی شبیه به انتخابات مجلس دوازدهم با محوریت شریان تشکیل خواهد شد. چنانچه اخیراً، نایب رئیس شورای مرکزی شریان گفته است: «مجموعه‌های جدیدی فعال شده‌اند که تلاش می‌کنیم همانند ائتلاف امنا» در انتخابات مجلس، در انتخابات شورای شهر هم اقدام کنیم.» جمله‌ای که نشان از این می‌هد که شریان مانند انتخابات مجلس دوازدهم محور یکی از لیست‌های اصلی اصول‌گرایان خواهد شد و برخی گروه‌های هم‌فکر را دور هم جمع می‌کنند. البته می‌توان انتظار داشت که در ادامه و با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات شورای شهر، دو ائتلاف دیگر هم به نوعی فعال شوند تا تقابل‌های گذشته که آنها در خانواده اصول‌گرایی داشتند، یکبار دیگر به شکل‌های جدیدتر خود را نشان دهد.

اما به غیر از این جبهه‌ها، شاید یک نکته هم چندان دور از ذهن نباشد. اینکه محمود احمدی‌نژاد در این انتخابات در جایگاه لیدر سیاسی جریان بهار فعال شده و لیست بدهد؛ موضوعی که عملاًتقابل‌های اصول‌گرایان را جذاب‌تر می‌کند. هر چند خبری رسمی بیرون نیامده اما شنیده‌ها حاکی از این است که جلساتی با محوریت احمدی‌نژاد برگزار شده است.

لیست‌های احتمالی

بنابر آنچه گفته شد، درباره لیست‌های احتمالی در انتخابات دوره هفتم شورای شهر در تهران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ **اصلاح‌طلبان:** چیزی که به صورت قطعی می‌توان گفت این است که بر خلاف انتخابات مجلس دوازدهم لیستی با عنوان اصلاح‌طلبان منتشر خواهد شد اما همه چیز به این برمی‌گردد که جبهه اصلاحات لیست خواهد داد یا خیر. پس باید دو موضوع را بررسی کرد.

یک - اگر جبهه اصلاحات لیست بدهد: ۱- حداکثر تعداد لیستی که برای اصلاح‌طلبان می‌توان در نظر گرفت، سه لیست «جبهه اصلاحات»، «روزنه‌گشایان» و «شورای هماهنگی» است. ۲- یک احتمال ضعیف وجود دارد، اینکه شرایط سیاسی کشور منجر به این شود که جبهه اصلاحات و روزنه‌گشایان یک بار دیگر به هم نزدیک شوند. در این صورت یک لیست اصلی تحت حمایت جبهه اصلاحات و یک لیست هم توسط شورای هماهنگی جبهه اصلاحات ارائه خواهد شد. ۳- اصلاح‌طلبان لیدری به نام سیدمحمد خاتمی را دارند. هر چند خاتمی پیش از این گفته که در موضوع انتخابات از سیاست‌های جبهه اصلاحات حمایت خواهد کرد اما یک احتمال ضعیف‌ار هم می‌توان در نظر گرفت. اینکه ورود خاتمی منجر به اتحاد درونی بین اصلاح‌طلبان شده و در نهایت یک لیست بیرون بیاید. البته درباره گزینه‌های دو و سه باید یک اصل را در نظر گرفت، اینکه جبهه اصلاحات راضی می‌شود که یک گام از اصول خود عقب آمده و لیستی ائتلافی تشکیل دهد؟ موردی که آن را بسیار دور از تصور می‌توان دانست.

دو - اگر جبهه اصلاحات لیست ندهد: ۱ - حداقل چیزی که در این صورت می‌توان در نظر گرفت این است که نبود منجر به اتحاد باقی مانده شود و یک لیست متحد شامل «حزب کارگزاران»، «حزب ندای ایرانیان»، «حزب اعتماد ملی»، «روزنه‌گشایان» و «شورای هماهنگی» بیرون بیاید. ۲- حداکثر تعداد لیستی که در این حالت می‌توان متصور شد دو لیست است که یک لیست شامل «کارگزاران»، «اعتماد ملی»، «ندای ایرانیان» و «عهد» «روزنه‌گشایان» خواهد بود و لیست دوم مربوط به شورای هماهنگی می‌شود.

۲ **میان‌روها:** همانطور که گفته شد آنها قطعاً لیست خواهند داد و احتمال اینکه لیستی که ارائه می‌کنند، لیستی ائتلافی باشد بسیار زیاد به نظر می‌رسد. اینکه باچه گروهی ائتلاف می‌کنند، به احتمال زیاد با یکی از گروه‌های اصلاح‌طلب خواهد بود که شانس روزنه‌گشایان بیشتر است.

۳ **اصول‌گرایان:** اوضاع در اصول‌گرایان در هم و پیچیده است و ابهام‌های زیادی درباره آنها وجود دارد. احزاب اصلی اصول‌گرا کار خود را آغاز کرده‌اند ولی خبری از ائتلاف‌های آنها نیست. آنچه درباره آنها می‌توان گفت این است که حداقل بین «شریان» و سایر گروه‌های اصول‌گرا ائتلافی صورت نخواهد گرفت و آنها سمت یک لیست نمی‌روند. بدین ترتیب، در کمترین حالت وجود دو لیست در بین اصول‌گرایان قطعی است که یک لیست برای امنا و لیست دیگر هم برای شورای ائتلاف خواهد بود اما در این میان احتمال دارد که لیست‌های دیگری هم به این مجموعه اضافه شوند که محتمل‌ترین لیست‌ها مربوط به شورای وحدت و جبهه صبح خواهند بود. ضمن اینکه اگر احمدی‌نژاد هم فعال شود و گزینه‌هایی معرفی کنند، یک لیست دیگر هم اضافه می‌شود.

۴ **احتمال اینکه تنها دو لیست اصلی در تهران وجود داشته باشد بسیار کم است.** شاید اصلاح‌طلبان مانند بسیاری از مقاطع به سمت اتحاد بروند اما درباره اصول‌گرایان چنین چیزی وجود ندارد. پس حداقل لیستی که می‌توان در این دوره در نظر گرفت سه لیست است که یک لیست مربوط به اصلاح‌طلبان، یک لیست مربوط به شانا و یک لیست هم مربوط به شریان خواهد بود. اما در حداکثر حالت، می‌توان ۸ لیست را در نظر گرفت. ۱- جبهه اصلاحات ۲- روزنه‌گشایان و اعتدال و توسعه ۳- شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب ۴- شانا ۵- شریان ۶- شورای وحدت ۷- جبهه صبح ایران ۸- بهار (احمدی‌نژادی‌ها)

گفتاراندیشمند



ایران هرگز نخواهد مرد

قاسم افتخاری، استادپیشکسوت علوم سیاسی دانشگاه تهران در نهمدوینمین شب از مجموعه «شب‌های بخارا» با عنوان «دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه تهران»، گفت: در سال ۱۳۵۷، در ماه‌های شهریور و مهر، ناگهان رنگ خانه به صدا درآمد. یکی از همکاران گفت: آقای رمزفیلد، رئیس سابق دادگستری آمریکا که در آن زمان یازنشته‌شده، به ایران آمده است و با گروهی از دانشگاهیان، روشنفکران و دست‌اندرکاران گفت‌وگو می‌کند. پرسید که آیا مايلم من هم در آن جمع حضور یابم؟ پاسخ دادم: حتماً می‌آیم. ما راهی محل اقامت او شدیم. وقتی رسیدیم همراه ما خانمی بود که به‌تازگی به استخدام گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی درآمده بود و از نسل جوان دانشگاهیان محسوب می‌شد. در میانه بحث، آقای رمزفیلد رو به حاضران کرد و گفت: خانم‌ها آقایان! شما می‌دانید که کشور شما در آستانه یک انقلاب قرار گرفته است. تقریباً همه مردم خواستار رفتن شاه هستند. شما هم می‌دانید که شاه تقریباً همه مخالفان خود را کنار زده و به‌صورت یک‌جانبه قدرت را در دست گرفته است. حالا به این پرسش بیندیشید: اگر شاه برود، چه کسی می‌تواند جای او را پر کند؟ آن لحظه همان خانم جوان گفت: «آقای رمزفیلد! شما آمریکایی‌ها و غربی‌ها فکر نکنید اگر شاه برود، کسی نیست که جای او را پر کند. نگران نباشید، جای او به‌طور کامل پر خواهد شد.» رمزفیلد پرسید: «منظور شما آقای [امام خمینی است؟] و او پاسخ داد: «بله.» رمزفیلد گفت: «ببینید، آقای [امام] خمینی قصد دارد حکومت اسلامی برقرار کند. اگر چنین حکومتی در کشور شما برپا شود، دیگر اجازه نخواهند داد که شما با سر برهنه در حضور من بنشینید یا آزادانه رفتار کنید. آیا این وضع را می‌پذیرید؟» آن خانم در پاسخ گفت: «نه تنها روسری بر سر خواهم گذاشت، بلکه اگر لازم باشد رو بوند هم می‌زنم؛ همه چیز به خاطر سعادت ملت. مدتی بعد، آقای رمزفیلد مستقیماً به نوبل لوشاتو رفت و تنها آمریکایی بود که آیت‌الله [امام] خمینی او را به حضور پذیرفت. رمزفیلد پس از بازگشت به آمریکا، با همان شنیده‌ها و دریافت‌های خود، گزارش‌هایی تنظیم کرد و به محافل سیاسی ارائه داد. در همان روزها، فرم‌انده وقت ناتو، ژنرال هایز نیز به ایران آمد و جلساتی با فرماندهان نظامی برگزار کرد. بعدها فهمیدیم که نظر او این بود که باید کودتایی صورت گیرد و از فرماندهان ارتش خواسته بود مسئولیت این اقدام را بر عهده بگیرند، اما هیچ‌یک نپذیرفتند. در نهایت، تصمیم بر آن شد که ارتش در صورت وقوع انقلاب، بی‌طرف بماند و دخالتی نکند. گزارش هایز و گزارش ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در ایران، هر دو به رئیس جمهور وقت آمریکا، جیمی کارتر، ارائه شد. وقتی گزارش‌های جدید را دید در موضع خود نسبت به شاه تغییر ایجاد کرد. در نتیجه تصمیم گرفت کنفرانسی با حضور سران کشورهای مهم اروپای غربی تشکیل دهد تا درباره تحولات ایران تصمیم مشترکی بگیرند. این کنفرانس در جزیره گوادلوپ برگزار شد. در آن نشست، همه سران اروپایی متقاعد شدند که حمایت خود از شاه را متوقف کنند و به‌جای آن، از آیت‌الله [امام] خمینی پشتیبانی نمایند. در نتیجه، موضع غرب نسبت به ایران دگرگون شد و روند تحولات در کشور سرعت گرفت. در مدتی کوتاه انقلاب در ایران به وقوع پیوست. هیچ‌کس نمی‌دانست با این طوفان برخاسته و سبلی که به راه افتاده چه باید بکند. در آن فضای پرشور انقلابی، مدیران و تصمیم‌گیران کشور تغییر کردند. بسیاری از کارهای اساسی به دست کسانی افتاد که نه تجربه سیاسی داشتند و نه دانش کافی در این زمینه. در ادامه، اشغال سفارت آمریکا توسط دانش‌جویان پیرو خط امام به نقطه عطفی در روابط خارجی ایران بدل شد. از آن پس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با جهان خارج، به‌ویژه کشورهای غربی، به تدریج از حالت تعامل خارج و به سمت بی‌اعتمادی، خصومت و گاه دشمنی رفت.» افتخاری با اشاره به آنچه در ادامه به‌وقوع پیوست، گفت: «تحریم‌ها همه چیز را دگرگون کرد. مدیرانی که در دوره‌های مختلف روی کار آمدند، هر چند نیت خیر داشتند، اما در عمل دشتشان بسته بود. نه اینکه مدیران شایسته‌نداشتیم، داشتیم، اما شرایط، امکان کار سازنده را از آنان گرفته بود. این وضعیت متأسفانه تا امروز نیز ادامه دارد. یکی از اقتصاددانان مطلبی نوشته که عنوان آن بسیار تکان‌دهنده است: «ایران دارد می‌میرد.» همه چی نشانه‌های فروپاشی تدریجی هستند. اما سیاستمداران ما همچنان در کنار این بیمار در حال احتضار جشن می‌گیرند و به جای درمان، خود را به شادمانی‌های بی‌ثمر سرگرم کرده‌اند. با همه این‌ها، من بر این باورم که ایران هرگز نخواهد مرد. همان‌گونه که در گذشته بارها از خاکستر خود برخاسته و دوباره زاده شده است، باز هم چنین خواهد شد. شعار زنده‌باد ایران به‌وسیله نسل‌های آینده نیز در این سرزمین طنین‌انداز خواهد بود.»